



دستخطی که بر عقیده دشمنان مهدیین ﷺ خط می‌کشد
نوجوانی، دوران شکوفایی
خدا حجت را بر مسیحیان تمام می‌کند
تکامل واقعی کاملاً بدیهی است؛ به همان روشنی چرخیدن زمین
تأملی در حدیث امام حسن عسکری (علیه السلام)
امام حسن عسکری (علیه السلام) و فرزند ایشان در کلام علمای اهل سنت
صیہونیست و ده پادشاه

هجرت به‌سوی خداوند

احمد الحسن علیه السلام:

«پیامبر ﷺ و وصی‌اش و سایر مؤمنان بی‌وقفه به‌سوی خداوند
فرامی‌خواندند و اینچنین تعداد مسلمانان رو به افزایش نهاد؛ و همچنان
آزار و اذیت مشرکان نیز بیشتر می‌شد و شروع به شکنجه مسلمانان
کردند و مانع پیامبر ﷺ از تبلیغ رسالت آسمانی شدند. به این ترتیب
پیامبر ﷺ به مرحله دوم کشانیده شد: هجرت به‌سوی خداوند»

گوساله، جلد ۱؛ مبحث محمد ﷺ دعوت‌کننده به‌سوی خدا در مکه

سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخر الزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده اند و نیز فرستاده ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن علیه السلام برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می شود:

۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد به عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.
۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده اند.
۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود: «... ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن را [خلافت] به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورندگان است.»

پیام آخرت

فهرست

- ۳..... دستخطی که بر عقیده دشمنان مهدیین علیهم السلام خط می کشد.....
- ۵..... نوجوانی، دوران شکوفایی.....
- ۷..... خدا حجت را بر مسیحیان تمام می کند.....
- ۹..... به مناسبت هجرت محمد صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه.....
- ۱۲..... تکامل واقعی کاملاً بدهی است؛ به همان روشنی چرخیدن زمین.....
- ۱۳..... تأملی در حدیث امام حسن عسکری علیه السلام.....
- ۱۵..... احکام.....
- ۱۷..... امام حسن عسکری علیه السلام و فرزندانشان در کلام علمای اهل سنت.....
- ۲۰..... صیهونیست و ده پادشاه.....
- ۲۳..... شهادت امام حسن عسکری علیه السلام.....



هفته نامه زمان ظهور

هفته نامه زمان ظهور، شماره ۹۱، جمعه ۹ آبان
۱۳۹۹، ۱۳ ربیع الاول ۱۴۴۲، ۳۰ اکتبر ۲۰۲۰
صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت
راه های ارتباطی:

www.zamanezohoor.com



هر گونه برداشت از هفته نامه با ذکر منبع بلامانع است.

زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات
سازنده شما عزیزان است.

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام
والسلام علی محمد و آل محمد و الطاهرین

دستخطی که بر عقیده دشمنان مهدیین علیهم السلام خط می کشد

بَحْرُ الْحِكْمَةِ وَكَتَبَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيُّ فِي
سَنَةِ أَرْبَعٍ وَخَمْسِينَ وَمِائَتَيْنِ.



«و روایت شده که باز (حسن بن سلیمان) به خط ایشان علیه السلام (امام حسن عسکری) جملاتی به این صورت یافته: ما با قدم های نبوت و ولایت بر فراز قله های حقایق بالا رفتیم. ما هفت طبقه اعلام فتوا را با هدایت روشن نموده ایم. ما شیران میدان جنگ و باران های پربرکت و سرزنش کنندگان دشمنان هستیم. شمشیر و قلم در دنیا و پرچم حمد و حوض در آخرت در میان ماست. **نوادگان ما هم پیمانان دین و خلفای پیامبران و چراغ های امت و مفاتیح کرم اند.** موسی کلیم به درجه نبوت رسید؛ چون ما او را وفادار می دانستیم و روح القدس

به مناسبت شهادت امام حسن عسکری علیه السلام، یازدهمین جانشین ذکر شده در وصیت مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله، آن نور در (نور علی نور) (نور، ۳۵) و (یهدی الله لنوره من يشاء) (همان)؛ آن شهید مسموم به وسیله خلیفه طاغوتی، معتمد متعفن (لعنة الله عليه). آن که می خواست روشنایی خدا را با دهانش خاموش کند: (وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورُهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ) (توبه، ۳۲)، قصد داریم تا به کلام مهمی از ایشان پردازیم.

دستخط امام حسن عسکری علیه السلام درباره نوادگانش

مجلسی (ره) گفت:

«وَرَوِيَ: أَنَّهُ وَجَدَ أَيْضاً بِخَطِّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا صَوَّرْتَهُ قَدْ صَعِدْنَا ذُرَى الْحَقَائِقِ بِأَقْدَامِ النَّبُوءَةِ وَالْوَلَايَةِ وَنُورُنَا سَبْعُ طَبَقَاتٍ أَعْلَامُ الْفَتْوَى بِالْهُدَايَةِ فَنَحْنُ لُيُوثُ الْوَعْيِ وَغِيُوثُ التَّدْيِ وَطَعَانُ الْعَدَى وَفِينَا السَّيْفُ وَالْقَلَمُ فِي الْعَاجِلِ وَلِوَاءُ الْحَمْدِ وَالْحَوْضُ فِي الْأَجَلِ وَأَسْبَاطُنَا حُلَفَاءُ الدِّينِ وَخُلَفَاءُ النَّبِيِّينَ وَ مَصَابِيحُ الْأُمَمِ وَ مَفَاتِيحُ الْكَرَمِ فَالْكَلِيمُ أَلَيْسَ حُلَّةَ الْأَصْطِفَاءِ لِمَا عَهَدْنَا مِنْهُ الْوَفَاءَ وَرُوحُ الْقُدُسِ فِي جَنَانِ الصَّاقُورَةِ ذَاقَ مِنْ حَدَائِقِنَا الْبَاكُورَةِ وَشِيعَتُنَا أَلْفَتَةُ النَّاجِيَةِ وَ الْفَرْقَةُ الزَّكَاءِ وَ صَارُوا لَنَا رِذَاءً وَ صَوْنًا وَ عَلَى الظُّلْمَةِ أَلْبَا وَ عَوْنًا وَ سَيَنْفَجِرُ لَهُمْ بَنَابِيعُ الْحَيَوَانِ بَعْدَ لَظْيِ النَّيِّرَانِ لِتَمَامِ آلِ حَمِّ وَ طِهٍ وَ الطَّوَائِسِينَ مِنْ السَّنِينَ وَ هَذَا الْكِتَابُ دُرَّةٌ مِنْ دُرَرِ الرَّحْمَةِ وَ قَطْرَةٌ مِنْ

سید احمد الحسن علیه السلام:

پیکاری مستمر در درون و بیرون در جریان است. دشمن کافر به طور مرتب ضربه می زند و منافق، از درون می پوساند؛ فرعون و سامری، پیلاطس و عالمان بی عمل بنی اسرائیل.

(گوساله، ج ۱)



فرمود: رسول الله ﷺ در شبی که وفاتش بود، به علی علیه السلام فرمود: ای ابوالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن. رسول الله ﷺ وصیت خودش را املا نمود، تا اینکه فرمود: «ای علی، بعد از من دوازده امام هستند و بعد از آن‌ها دوازده مهدی. پس تو یا علی اولین دوازده امام هستی...» (الغیة الطوسی، ص ۱۵۰، ص ۳۰۰ ترجمه فارسی).



نتیجه گیری

بنابراین این اسباط و نوادگان امام حسن عسکری که خلفای الهی بر زمین هستند، کسانی جز مهدیین نیستند و ما از خواننده می خواهیم منصفانه در کلام اهل بیت بنگرد و خود تحقیق کند و از خود سؤال کند آیا با وجود ده ها روایت درباره مهدیین باز می توان آن ها را نادیده گرفت و به آنان کافر شد؟ آیا برای عاقل اشاره ای کافی نیست؟ و در انتها سلام و صلوات خدا بر تو ای ابو محمد حسن بن علی بن محمد؛ نور تو هرگز خاموش نمی شود و ذکر اسباط پاک تو هرگز از یاد نخواهد رفت، به درستی که کلام تو برای گام های ما چراغ و برای راه های ما نور است.

در بهشت از میوه های نورس ما چشیده و شیعیان ما گروه نجات یافته و فرقه پاک اند. همکار و نگهبان مايند و در مبارزه با ستمگران متحد و هم دوش اند و به زودی برای آن ها چشمه های زندگی می جوشد. پس از لهیب آتش بعد از سال ها به مقدار آل حم و طه و طواسین. این نوشته دری است از درهای رحمت و قطره ای است از دریای حکمت حسن بن علی عسکری و در سال ۲۵۴ نوشته شده است.»

(بحار الأنوار، ط مؤسسة الوفاء، ج ۲۶، ص ۲۶۴)
با توجه به این نوشته ما با سؤالاتی روبه رو هستیم که از این قرار است:

الف. چرا امام علی علیه السلام فرمودند «أَسْبَاطُنَا خُلَفَاءُ الدِّينِ: نوادگان ما هم پیمانان دین»؟ آیا امام حسن عسکری دارای «أَسْبَاط: نوادگان» بودند؟ و چرا از عبارت «آبَاءَنَا» استفاده نکردند؟

ب. اگر جواب سؤال (الف) مثبت باشد، این سؤال در پی آن مطرح می شود که آنان چه کسانی هستند که امام علی علیه السلام ایشان را این گونه یاد فرموده اند؟ «خُلَفَاءُ النَّبِيِّينَ وَ مَصَابِيحُ الْأُمَمِ وَ مَفَاتِيحُ الْكَرَمِ: خلفای پیامبران و چراغ های امت و مفاتیح کرم اند.» پس آنان باید خلفای الهی نیز باشند! اما پاسخ چیست؟

وصیت مقدس، کلید هر قفلی

اگر این روایت را در کنار وصیت مقدس پیامبر ﷺ قرار دهیم برای ما مشخص خواهد شد که امام حسن عسکری دارای نوادگانی هستند که خلفای الهی بر زمین اند! آنان در این وصیت با نام «مهدیین» شناخته می شوند؛ شیخ طوسی (ره) در کتابش آورده است: ابو عبدالله جعفر بن محمد از پدرش باقر از پدرش ذی الثغفات سید العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیر المؤمنین علی علیه السلام

سید احمد الحسن علیه السلام:

بنابراین آنچه امروزه سبب تسلط طاغوت بر جوامع اسلامی شده؛ عبارت است از اینکه: این جوامع «امر به معروف و نهی از منکر را ترک گفته اند»؛ و علت ترک گفتن این فریضه در این جوامع عبارت است از اینکه: «علمای بی عمل، امر به معروف و نهی از منکر را ترک کرده اند». (گوساله، ج ۱)

نوجوانی، دوران شکوفایی

زمانی که بسیار حساس است والدین و مربیان مهم ترین نقش تربیتی را در رفتار نوجوان دارند. باید توجه ویژه ای به نوجوان داشته باشند و او را راهنمایی و به لحاظ فکری او را کمک کنند.

شاید همه ما مؤمنین به جست و جوی کلامی از امام احمد الحسن علیه السلام باشیم که راهکاری باشد برای تربیت نوجوانان.

با هم کلامی از ایشان را بخوانیم. یکی از مؤمنین از سید یمانی علیه السلام سؤالی پرسید:

سؤالی دارم سید من؛ در خصوص سریال ها و فیلم ها و دیدن آن ها است؛ فرقی نمی کند عربی باشد یا خارجی؛ مثلاً ترکی و هندی و انگلیسی. این امور معمولاً بدین صورت است که تعداد قسمت های طولانی ای دارند؛ یعنی وقت خیلی زیادی برای دنبال کردن آن هدر می رود و از نظر اجتماعی، نقاط منفی در جامعه ارائه می دهند و معمولاً شامل مسائل زیر است:

زن هایی مبتذل، صحنه هایی عاشقانه، پوشش بی بندوبار، ارتباطات محبت آمیز غیر شرعی، اختلاط بین آقایان و خانم ها که

بلوغ در او نمایان می شود؛ (حدوداً سن ۱۲ سالگی)

۲. **مرحله بلوغ:** این دوره زمانی ابتدای بلوغ او به شمار می رود و علامات بلوغ در او ظاهر می شود و بیشترین تغییر جنسی صورت می گیرد؛



۳. **مرحله بعد از بلوغ:** مرحله ای که نوجوان تا حدی می خواهد مستقل شود و احساس شخصیت می کند و انتخاب شغل، رشته تحصیلی و... مهم ترین دغدغه او در زندگی است.

دوره بلوغ و بعد از آن، دوره بسیار حساسی است؛ به طوری که نوجوان میل به شهوات پیدا می کند و اگر توسط خانواده و اطرافیانش کنترل نشود، ممکن است سرنوشت بدی برایش رقم بخورد و باید بگوییم در این دوره

انسان ها در زندگی خود دوران زیادی را طی می کنند. دوران طفولیت و کودکی و نوجوانی و سپس جوانی و میان سالی و کهن سالی و هر کدام از این زمان ها شرایط روحی و روانی متفاوت و خاص خود را دارد.

شاید بتوان گفت حساس ترین و با اهمیت ترین و بحرانی ترین دوران زندگی انسان، نوجوانی است؛ چرا که انسان در این دوره نه در دوران کودکی است و نه هنوز به درستی بالغ شده است؛ به طوری که گاهی رفتار کودکانه ای دارد که اطرافیانش را آزرده می کند و گاهی رفتار عاقلانه ای دارد که دیگران را به تعجب وامی دارد؛ تا آنجا که گاهی دچار سرگردانی می شود و نمی داند چه باید کند؟ کدام شیوه را در زندگی خود برگزیند؟ همچنین رفتار برخی بزرگ ترها را می بیند و می شنود که به او می گویند: تو هنوز بچه ای، یا اینکه گاهی به او می گویند: تو دیگر بزرگ شده ای. اگر بخواهیم مراحل رشد در دوران نوجوانی را بیان کنیم باید آن را به سه مرحله تقسیم کرد.

۱. **مرحله قبل از بلوغ:** نوجوان در این دوره زمانی هنوز احساس کودکی می کند و رفته رفته صفات

سید احمد الحسن علیهما السلام:

امروز ریشه های ذلت، خضوع، تسلیم در برابر طاغوت، حب دنیا و حب زندگی و ترس از مرگ به طرزی عجیب و غیر طبیعی در دل و جان بیشتر مسلمانان ریشه دوانیده است.

(گوساله، ج ۱)

می فرمایند: «أَمَّا قَلْبُ الْحَدِثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَهْمَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ قَبْلَتَهُ.» «قلب نوجوان مانند زمین، خالی و مساعد است که هرچه در آن بکارد همان را می پذیرد» (شرح غررالحکم، ج ۳، ص ۹۰)

باید والدین از خود پرسند که چقدر برای تربیت فرزند نوجوان خود وقت و انرژی صرف می کنند؟ نوجوانی دوره ای است که در آن شخصیت اجتماعی فرد شکل می گیرد و اغلب با چالش های گوناگونی از جمله هویت یابی مواجه می شود. نحوه برخورد والدین با فرزندان و شیوه تربیتی که برای آن ها به کار می گیرند در رشد شخصیت و اعتماد به نفس آن ها تأثیر بسزایی دارد. به همین دلیل لازم است والدین اطلاعات خود را از این دوران بالا ببرند و با درک عواطف و احساسات نوجوانان، آن ها را در مسیر موفقیت و پیشرفت یاری دهند.

البته باید گفت که مسائل و مباحث درباره نوجوانان بسیار زیاد است و ان شاء الله در مقالات بعدی به آن ها خواهیم پرداخت. به امید اینکه نوجوانانی در جامعه مؤمنین رشد کنند که آینده دعوت مهدوی باشند.

جایگزین های مناسبی که دوست دارند، برایشان فراهم کنیم. (صفحه فیس بوک، ژوئن ۲۰۱۸م)



امام علیه السلام در این کلامشان چند نکته بیان کردند که بسیار حائز اهمیت است. اینکه باید با نوجوانان و فرزندان، منطقی برخورد کنیم و دیگر اینکه بایستی جایگزین های مناسبی برایشان فراهم کرد.

والدین باید توجه داشتند این نوجوانی که در خانه آن ها تربیت می شود، آینده زندگی شان است و باید تمام تلاش خود را برای تربیت و اخلاق و رفتار او به کار بگیرند.

در تربیت نوجوانان باید به چند اصل تربیتی توجه کرد؛ از جمله: شناخت مسائل این نسل، محبت و انس و دوستی با نوجوانان و پرهیز از زورگویی.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در کلام گهرباری

قانونمند به قوانین شرعی نیست، گوشه چشم ها و اشارات و نگاه های حرام بین مرد و زن، و نشان دادن همه یا بعضی از این امور مذکور به صورتی طبیعی و صحنه هایی مداوم هست؛ یعنی طوری ارائه می دهند که اموری طبیعی است و انتقادی به کار آن ها نیست.

آیا تماشا کردن این کارها جایز است؟

و آیا تفاوتی می کند تماشاگر مرد یا زن باشد، پسر یا دختر باشد، متأهل یا مجرد باشد، نوجوان باشد و بر اعتقادات و افکارش اثرپذیر باشد؟

تکلیف خانواده در برابر فرزندانشان چیست، اگر این فعالیت ها را تماشا می کنند؟ ممکن است از بچه هایمان بخواهیم این سریال ها و فیلم ها را تماشا کنند؟ و چگونه خطرهای آن را از ایشان دور کنیم؟

پاسخ سید احمد الحسن (علیه السلام):
«وعلیکم السلام ورحمة الله و برکاته.

زنده باشی

اگر نصیحت مرا می خواهی، اکیداً بهتر است بچه هایت را به قدر امکان متوجه درس و تحقیق و عمل نافع کنی؛ و رهایشان نکنی که همه وقت خود را تباه کنند و برای آنکه منطقی رفتار کنیم بایستی

سید احمد الحسن (علیه السلام):

تحصیل علوم عقلی و نقلی کار دشواری نیست؛ اما اینکه غذای خود را سه روز به اسیر و در راه مانده و مسکین بدهی در حالی که شکمت از گرسنگی به پشتت بجسبد - چنان که امیرالمؤمنین عمل نمود - کاری است بس دشوار. (گوساله، ج ۱)

خدا حجت را بر مسیحیان تمام می‌کند

راه‌های دیگری که تأییدی بر حقانیت احمد الحسن هستند

زیادی هستند که رؤیاهایی در حقانیت احمد الحسن دیده‌اند و کدام مسیحی‌ای هست که نداند رؤیا در نظر خدا تا چه اندازه اهمیت دارد؟!

تحقق پیشگویی‌ها: یکی از راه‌هایی که ارتباط مدعی با خدا را اثبات می‌کند، واقع شدن پیشگویی‌هایی است که از سوی او بیان شده‌اند (ر.ک. تثنیه ۱۸: ۲۱-۲۲) و واقع شدن آن نشان می‌دهد که او فرستاده خداست (ر.ک. ارمیا ۲۸: ۹)؛ البته بر طبق کتاب مقدس پیشگویی‌هایی نیز توسط انبیا بیان شد که بنا به دلایلی خاص، به وقوع نپیوست؛ بنابراین همچنان که در یکی از مقالات پیشین در خصوص آن صحبت شد، تحقق پیشگویی از ارکان ثابت شناخت فرستادگان محسوب نمی‌شود؛ اما به وقوع پیوستن آن تأییدی بر دعوت فرستاده خداست.

مسیحیان باید به این قضیه توجه کنند که پیشگویی‌های بسیار زیادی از سوی احمد الحسن، همان تسلی‌دهنده (در رابطه با تسلی‌دهنده می‌خوانیم: «و از امور آینده به شما خبر خواهد داد.» (یوحنا ۱۶: ۱۳)) وعده داده شده، صورت گرفته است که محقق شده‌اند؛ بر این اساس هر مسیحی‌ای باید اعتقاد داشته باشد که احمد الحسن کسی است که متصل به منبع وحی خداست و مقام نبوت دارد؛ و می‌پرسیم که آیا خداوند کسی را جز تأییدشدگان خود، به اخبار و غیبات آگاه می‌کند؟! پس آیا یک مسیحی منصف می‌تواند

در مقالات پیشین تطابق دعوت احمد الحسن با قانون ثابت شناخت فرستادگان اثبات شد. در این مقاله دلایل دیگری نیز ارائه می‌شود که تأییدی بیشتر بر حقانیت ایشان است.

رؤیاهای: خدا از طریق رؤیا به حقانیت او شهادت می‌دهد؛ هزاران رؤیایی که مردم از کشورهای مختلف و با عقاید گوناگون در تأیید احمد الحسن دیده‌اند و برای تشخیص خلیفه الهی واضح و آشکار هستند، سندی بر حقانیت اوست. این رؤیاهای توسط مردمی دیده شده است که نه سر و سَری با احمد الحسن داشتند، نه با او مرتبط بودند.



بنابراین همچنان که دانستیم رؤیای فرعون بر مردم حجت شد (ر.ک. پیدایش ۴۱: ۲۵ تا ۳۲)، رؤیاهای واضحی که توسط مردم دیده شده و بر حقانیت احمد الحسن به روشنی گواهی داده نیز بر ما حجت است؛ اگر فرعون یک شخص بود، اکنون مردم

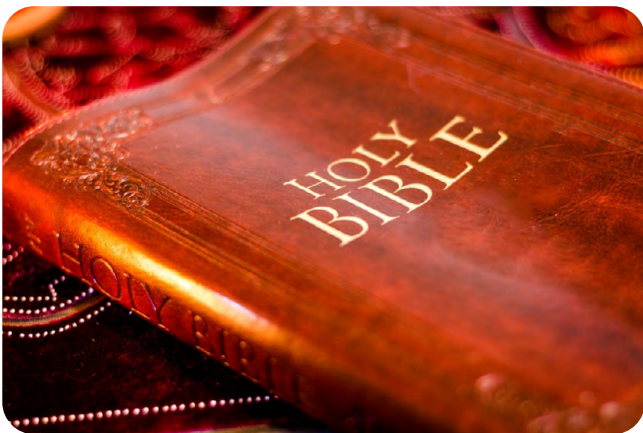
سید احمد الحسن (علیه السلام):

اگر شما صرفاً به تحصیل علوم و عبادات خود بسنده کنید، هر آنچه طاغوتیان خواسته‌اند را به آن‌ها بخشیده‌اید؛ چرا که آنان می‌خواهند شما را به مثنی عابد و نه عالم مبدل سازند.

(گوساله، ج ۱)

بده. تکان داد ... پاهایت را تکان بده. تکان داد... سپس به جوان فرمود پیاده شو. جوان با زبان رسا گفت نمی توانم. سید بار دوم فرمود پیاده شو، به خواست خدا می توانی. جوان پیاده شد و شروع به راه رفتن کرد؛ سپس سید علیه السلام آبی در دست گرفت و چند سوره بر آن خواند و رو به آن جوان فرمود پایت را با آن بشوی و جوان کاملاً شفا یافت؛ سپس به سفر خود ادامه دادند ...» (کرامات و غیبات)

خبر دادن از افکار: بارها شده است که احمدالحسن افکار کسانی را که با او ملاقات داشته اند به اراده خدا دانسته و به آنان اطلاع داده است و... این امور به قدری زیاد هستند که توصیه می شود به کتاب «کرامات و غیبات» مراجعه کنید تا شهادت شاهدانی را که به این قضیه گواهی می دهند مطالعه کنید؛ در نتیجه این راه نیز تأییدی بر حقانیت اوست.



نتیجه: گمان می کنیم هیچ مسیحی منصفی نمی تواند حقانیت احمدالحسن را انکار کند؛ چرا که او خوب می داند با این انکارش، به کتاب مقدس خود بی ایمان شده است و دیگر ادعای ایمانش به عیسی و یحیی و تمامی پیامبران صحیح نیست؛ بلکه همچون یهودیانی است که به ظاهر پیرو موسی و انبیا هستند، اما به یحیی و عیسی ایمان نمی آورند.

حقانیت احمدالحسن را انکار کند؟! قطعاً خیر. (برای اطلاع از پیشگویی هایی که او انجام داده است و محقق شده اند، می توانید به کتاب «کرامات و غیبات» مراجعه کنید).

معجزات: همچنان که پیش تر بیان شد، معجزات جزو ارکان اصلی شناخت فرستادگان خدا قرار نمی گیرد و حتی بر طبق انجیل، عیسی فرمود: «زیرا که مسیحان کاذب و انبیای دروغین ظاهر شده، علامات و معجزات عظیم انجام خواهند داد که اگر ممکن بود برگزیدگان را نیز گمراه کنند.» (متی ۲۴: ۲۴) اما گاهی اوقات، خدا از طریق آن، دعوت فرستاده اش را که دلایل کافی برای اثبات حقانیتش موجود است، تأیید بیشتری می کند؛ اگرچه بر او چنین چیزی لازم نیست.

می گویم وقوع معجزاتی که خداوند با آن دعوت احمدالحسن را تأیید کرده است، به نص اضافه می شود و نشان دیگری بر حقانیت اوست؛ و به دلیل طولانی نشدن بحث، تنها به یک مورد که در کتاب «کرامات و غیبات» آمده است، اشاره می کنیم:

«سید احمدالحسن به همراه یکی از انصار المهدی در سامراء به زیارت امامین عسکریین علیهم السلام مشرف شده بود و پس از بازگشت به بغداد سوار ماشینی شد؛ سپس پیرمردی به همراه جوانی مریض احوال و افلیج که به سختی سخن می گفت سوار شد...، شخص همراه سید، بعد از اینکه مکان خود را به جوان داد به کنار پدر جوان آمده، و احوال فرزند بیمارش را جویا شد... پیرمرد گفت: مدتی قبل به این بیماری مبتلا شد و اکنون به زیارت آقا امیرالمؤمنین می روم و شفایش را از او مسئلت می کنم...؛ آنگاه سید احمدالحسن چندی از آیات قرآن را بر جوان تلاوت نمود. در نیمه راه ماشین در محلی توقف کرد. سید به آن جوان فرمود دستت را تکان

سید احمدالحسن علیه السلام:

اگر اندیشه شما فقط نجات و رهایی خودتان باشد، نگوئید ما طلبه علوم دینی یا عالم دینی هستیم، و لباس اهل علم را نپوشید تا مردم را بفریبید، گرگ هایی در لباس میش نباشید. (گوساله، ج ۱)



به مناسبت هجرت محمد ﷺ از مکه به مدینه

هجده سؤال پیرامون هجرت رسول الله ﷺ و پاسخ آن ها از سید احمد الحسن ﷺ

به عیسیٰ علیہ السلام ایمان نیاوردند و نیز همشهریان آن حضرت یعنی ساکنان ناصره که ایشان در آن پرورش یافته بود، وی را پذیرا نشدند.» (گوساله، ج ۱، استبدال)



۷. از یهودیان یثرب یا مدینه چه انتظاری می رفت؟

احمد الحسن علیہ السلام: «آنچه انتظار می رفت این بود که یهودیان، اولین استقبال کنندگان از وی و خیرمقدم گویندگان قدوم مبارکش به شهرشان باشند که برای استقبال از او تأسیس کرده

ایمان آوردند و پذیرایش شدند و فقرا، مستضعفان و جوانان نیز به آن حضرت گرویدند.» (گوساله، ج ۱، استبدال)

۴. استبدال چگونه رخ داد؟

احمد الحسن علیہ السلام: «خداوند، علمای دین، سران قوم و برخی کسانی را که ادعا می کردند منتظر بعثت محمد ﷺ هستند با کسانی دیگر جایگزین کرد که همان یاران برگزیده حضرت محمد ﷺ بودند.» (گوساله، ج ۱، استبدال)

۵. ویژگی یاران ایشان ﷺ چه بود؟

احمد الحسن علیہ السلام: «کسانی که با فساد و فسادگران جنگیدند و در زمین به دنبال هیچ برتری جویی نبودند، شناخته شدگان در آسمان، گمنامان زمین، خوشا به حالشان و چه نیکو بازگشتی داشتند.» (گوساله، ج ۱، استبدال)

۶. آیا شبیه اتفاقی که در زمان پیامبر ﷺ رخ داد، پیش از او نیز رخ داده است؟

احمد الحسن علیہ السلام: «علمای یهود

۱. چرا پیامبر ﷺ هجرت کردند؟

احمد الحسن علیہ السلام: «هنگامی که قریش و اهل مکه بر آزار و اذیت رسول خدا ﷺ پافشاری کردند، آن حضرت ناگزیر به هجرت شد. در ابتدا به سوی طائف، قبیله ثقیف هجرت نمود که امید داشت گروهی از ایشان به او ایمان می آورند و یاری اش می کنند؛ اما آن ها نه تنها یاری اش نکردند و دعوتش را نپذیرفتند، بلکه حضرت را آزار و اذیت نیز کردند.» (گوساله، ج ۱، هجرت به سوی خدا)

۲. چه کسانی به رسول خدا ﷺ ایمان نیاوردند؟

احمد الحسن علیہ السلام: «رسول خدا ﷺ را قوم، خاندان، طایفه، همشهریان و علمای یهود و نصارا تکذیب کردند و بزرگان و رؤسای قوم به وی ایمان نیاوردند.» (گوساله، ج ۱، استبدال)

۳. چه کسانی به ایشان ﷺ ایمان آوردند؟

احمد الحسن علیہ السلام: «غریبه های شهر پاک و مبارک یثرب به او

سید احمد الحسن علیہ السلام:

بیدار شوید پیش از آنکه گرفتار آنچه به دست آورده اید شوید و پیش از آنکه روزی برسد که بگویید و احسرتا از آنچه در پیشگاه پروردگار کوتاهی کردیم! (گوساله، ج ۱)

موسی علیه السلام است متفاوت بود [...] رسول خدا صلی الله علیه و آله جایگاه اجتماعی و زعامت دینی دروغین و باطل را از علمای بنی اسرائیل می‌گرفت؛ همچنان که عدالت وی در توزیع اموال، آن‌ها را از ویژگی خاصی که از آن بهره‌مند بودند محروم می‌ساخت.» (گوساله، ج ۱، هجرت به‌سوی خدا)

۱۲. آیا همه یهودیان به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان نیاوردند؟
احمدالحسن علیه السلام: «از ایشان، جز عده‌ای اندک به آن حضرت ایمان نیاوردند.» (گوساله، ج ۱، هجرت به‌سوی خدا)



۱۳. در داستان یهودیان چه نکته مهمی وجود دارد؟
احمدالحسن علیه السلام: «حقیقتی که باید به آن توجه کنیم این است که این یهودیانی که در انتظار حضرت محمد صلی الله علیه و آله شکست خوردند، فرزندان همان کسانی هستند که در راه خدا مهاجرت کردند و شهر یثرب را به انتظار

۹. خدا چه مطلبی را برای یهودیان بیان داشت؟

احمدالحسن علیه السلام: «خداوند در قرآن «بلعم بن باعورا» را به‌عنوان مثلی برایشان بیان داشت تا بازایستند و از هدایت خویش بهره‌مند شوند و به‌سوی پروردگار خود بازگردند؛ اما آن‌ها همچون لاشهٔ بدبویی که چون باران پاک بر آن بیارد بوی تعفن و عفونتش بیشتر می‌شود، دشمنی و تکبرشان فرونی یافت.» (گوساله، ج ۱، هجرت به‌سوی خدا)

۱۰. آیا یهودیان با آمدن پیامبر غافل‌گیر شده بودند؟

احمدالحسن علیه السلام: «اگر در وضعیت یهودیان دقت نظر به خرج دهیم در خواهیم یافت که آن‌ها با چند نکته غافل‌گیر شدند.» (گوساله، ج ۱، هجرت به‌سوی خدا)

۱۱. علت غافل‌گیری یهودیان چه بود؟

احمدالحسن علیه السلام: «پیامبر صلی الله علیه و آله از بنی اسرائیل نبود [...] برخی عقاید و احکام شرعی که رسول خدا صلی الله علیه و آله آورده بود با عقاید و احکام شرعی تحریف‌شده‌ای که آن‌ها مدعی بودند شریعت

بودند. همچنین آن‌ها می‌بایست نخستین گروندگان و یاری‌کنندگان آن حضرت می‌بودند.» (گوساله، ج ۱، هجرت به‌سوی خدا)

۸. موضع یهودیان یثرب نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله چگونه بود؟

احمدالحسن علیه السلام: «آن‌ها وی را یاری نکردند و عالمانشان او را تکذیب و سعی در منحرف کردن مردم کردند و درصدد برآمدند



تا مردم را به کفر به او و نبوتش وادارند. آن‌ها نه تنها از علمی که نزدشان بود بهره‌ای نبردند، بلکه آن را وسیله‌ای برای تکبر و برتری‌جویی‌شان بر پیامبر صلی الله علیه و آله قرار دادند.» (گوساله، ج ۱، هجرت به‌سوی خدا)

سید احمد الحسن علیه السلام:

ابلیس لعنه الله نادان و جاهل نبود تا تعلیم گیرد، و خطاکار نبود تا توبیخ و ادب شود؛ بلکه عالمی بود متکبر، سرکش و برتری‌جو که از لجاجت دست بر نمی‌داشت و وجودش از بغض و کینه این آفریده جدید انباشته شده بود. (گوساله، ج ۱)



مسلمانان رو به افزایش نهاد و نیز بر توجه آن‌ها به کمالات معنوی و روی گردانی از ظواهر و زینت‌های دنیا افزوده می‌شد. به این ترتیب آن صحرای خشک و سوزان به سبزی گرایید. (گوساله، ج ۱، پس از هجرت چه شد؟)

۱۸. سیره پیامبر ﷺ چگونه بود؟

احمدالحسن علیه السلام: «پیامبر ﷺ همچون طیب دوره‌گردی بود که داروهایش همراهش بود؛ همان گونه که امیرالمؤمنین علیه السلام ایشان را توصیف می‌فرماید؛ ایشان علیه السلام میان مردم می‌گشت، آن‌ها را امر به معروف و نهی از منکر می‌کرد و صبح و شام برای گسترش کلمه «لا اله الا الله» تلاش می‌کرد. این همان سیره و رفتاری است که امامان علیهم السلام پس از او به آن عمل کردند؛ چنان‌که سیره و رویه پیامبران و فرستادگان پیش از او بود؛ عیسی علیه السلام در زمین سفر می‌کرد و مردم را به سوی خدا فرامی‌خواند، و همین طور سایر انبیا: ابراهیم، موسی و دیگران علیهم السلام.» (گوساله، ج ۱، پس از هجرت چه شد؟)

روی حکمت سخن می‌گویند تا برخی حقایق را برای مردمان قابل فهم سازند. (گوساله، ج ۱، هجرت به سوی خدا)

۱۵. آیا همه مسیحیان به پیامبر ﷺ ایمان نیاوردند؟

احمدالحسن علیه السلام: «برخی از آن‌ها به آن حضرت ایمان آوردند؛ [...] اولین گروهی که به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آوردند هیئتی از مسیحیان حبشه بودند.» (گوساله، ج ۱، هجرت به سوی خدا)

۱۶. پس از هجرت چه شد؟

احمدالحسن علیه السلام: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه اقدام به تشکیل جامعه اسلامی مبتنی بر دستورات شریعت مقدس خداوند نمود. پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه از کلمه «لا اله الا الله» آغاز فرمود تا به تدبیر مسائل جامعه و اداره مردم در آنچه صلاح و کمال ایشان در آن است، منتهی شد.» (گوساله، ج ۱، پس از هجرت چه شد؟)

۱۷. وجود مبارک پیامبر ﷺ چه تأثیری بر مردم گذاشت؟

احمدالحسن علیه السلام: «اخلاق و سیره نیکوی آن حضرت و معجزاتی که به دستان مبارکش انجام می‌گرفت در مردم اثری بس عمیق بر جای گذاشت. شمار

پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله بنیان نهادند.» (گوساله، ج ۱، هجرت به سوی خدا)



۱۴. عاملی که موجب شد مسیحیان به پیامبر ﷺ ایمان نیاورند چه بود؟

احمدالحسن علیه السلام: «غلوکردن آن‌ها درباره حضرت عیسی علیه السلام و نیز تحریفی بود که در سیرت و تعالیم آن حضرت یا آنچه «انجیل و عهد جدید» از آن نام برده می‌شود. فهم و درک اشتباه آن‌ها از برخی فرمایشات عیسی علیه السلام نیز بی‌تأثیر نبود؛ پیامبران الهی علیهم السلام گاهی با استفاده از رمزها و مثل‌ها و از

سید احمدالحسن علیه السلام:

عاقل چاره‌ای ندارد جز اینکه در جست‌وجوی حق باشد تا عذاب را از خود دور کند و بازگشتی به پروردگار خویش بیابد در حالی که در راه مستقیم او گام برمی‌دارد.

(گوساله، ج ۱)



احمد الحسن در کتاب توهم بی‌خدایی می‌نویسند:

تکامل واقعی کاملاً بدیهی است؛ به همان روشنی چرخیدن زمین

آن و متغیرهایی است که همواره به وقوع می‌پیوندند؛ مانند پایین رفتن سطح آب‌ها، خشک‌سالی، کاهش و افزایش دمای هوا، ورود درنده یا شکار جدید؛ به‌علاوه هرگاه تولد و ازدیاد نسل وجود داشته باشد، قطعاً وراثت نیز پابه‌پای آن وجود خواهد داشت؛ بنابراین تکامل، موضوعی است حتمی که در گذشته، حال و آینده وجود داشته، دارد و خواهد داشت؛ زیرا تمام مقدمات آن فراهم است و قبلاً نیز این مقدمات فراهم بوده است؛ بنابراین، موضوع بر سر پاسخ آری یا خیر نیست؛ زیرا وجود تکامل واقعی کاملاً بدیهی است؛ به همان روشنی چرخیدن زمین!

علاوه بر آنچه گذشت، دلایل فراوانی از علم کالبدشناسی تطبیقی، سنگواره‌ها و علم ژنتیک وجود دارد که همگی موضوع تکامل را تأیید می‌کنند و بر آن صحنه می‌گذارند. تکامل موضوع روشنی است و حتی در زنجیره جانداران امروزی که در دسترس ما قرار دارند، نیز به‌وضوح دیده می‌شود.

پس هنگامی تکامل به دست می‌آید که دگرگونی و وراثت - که نتیجه ازدیاد نسل است - و برگزیدن جاندار سازگارتر با محیط طبیعی توسط طبیعت صورت پذیرد. [۱]

بسیاری از افرادی که در حوزه زیست‌شناسی تخصص ندارند فکر می‌کنند تکامل حیات، یک واقعیت (فکت) علمی نیست و صرفاً محصول تخیلات دانشمندانی همچون داروین و... است. این در حالی است که تکامل حیات یک واقعیت علمی است و در تمام دانشگاه‌های معتبر دنیا تدریس می‌شود و امروزه کسی منکر آن نیست و اختلاف‌ها صرفاً در مکانیسم و روش کار آن است. احمد الحسن در کتاب توهم بی‌خدایی با بیانی بسیار رسا، این مسئله را این‌گونه توضیح می‌دهند:

«خلاصه آنچه توسط داروین و زیست‌شناسان پس از او در موضوع تکامل ارائه شده، چنین است: دگرگونی و تمایز بین افراد (که می‌تواند به‌عنوان مثال از دگرگونی در نقشه ژنتیکی آن‌ها ناشی شده باشد) به همراه فرآیند انتخاب طبیعی محیط پیرامون آن‌ها، در کنار وراثت، منجر به تکامل و تطابق می‌شود که با همان محیط طبیعی آن‌ها تناسب دارد. برای اثبات این موضوع، نیازی به سنگواره‌ها نیست؛ چراکه اگر خواننده معنای دگرگونی نقشه‌های ژنتیکی، حفظ یا انتخاب نژادهای برتر را بشناسد، خواهد فهمید که تکامل، پدیده‌ای است قطعی و حتمی.

مسئله بسیار ساده است: هرگاه ما دگرگونی به‌همراه اختیار یا انتخاب و وراثت داشته باشیم، قطعاً تکامل به دست می‌آید. دگرگونی وجود دارد و در جاری بودن آن بین افراد یک نوع، کوچک‌ترین شکی نیست. همین‌طور اختیار و انتخاب کردن نیز وجود دارد؛ چراکه همراه و ملازم طبیعت، مقتضیات

منابع:

۱. احمد الحسن، توهم بی‌خدایی: نشانه‌های پروردگار در هستی، ترجمه فارسی، ۱۳۹۷ش، صفحه ۸۶.

سید احمد الحسن رحمته‌الله:

خرسندبودن به این زندگانی مادی و غوطه‌ور شدن در آن از مرگ بدتر است؛ حتی هم‌سان نابودی است؛ و چه بسا خود جهنم باشد. (گوساله، ج ۱)



تأملی در حدیث امام حسن عسکری علیه السلام در استدلال به وجوب تقلید از غیر معصوم

تقلید در منابر از آن استفاده می‌کنند، حدیثی است که از امام حسن عسکری علیه السلام نقل می‌کنند؛ اصل این حدیث از امام صادق علیه السلام است؛ ولی آن‌ها آن را به اسم امام یازدهم، بیان می‌کنند؛ فرقی نمی‌کند، کلام نور واحد.

دلالت کند، نه اینکه از فضائل و مقامات اهل بیت علیهم السلام به عنوان دلیل تقلید استفاده کنند!

نقد یکی از مهم‌ترین ادله فقها

از مهم‌ترین احادیثی که مروّجان

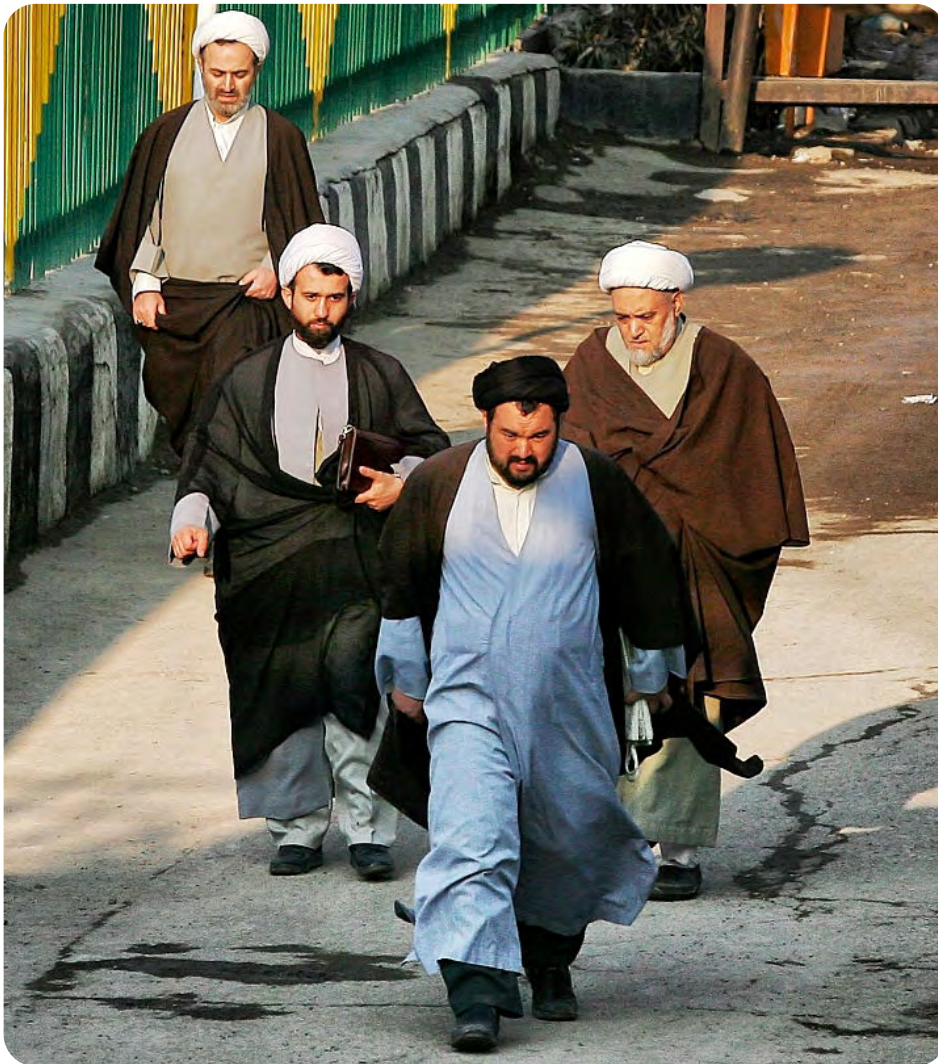
فقهای شیعه در اثبات عقیده وجوب تقلید از غیر معصوم، از احادیث و آیات متعددی استفاده می‌کنند؛ هرچند هیچ‌یک از این آیات، ارتباط خاصی به ادعای آن‌ها ندارد یا در خصوص ائمه هدی علیهم السلام است یا اینکه در خصوص عقیده وجوب تقلید از غیر معصوم نیست.

لزوم پاسخ‌گویی فقها

بر آن‌هاست که از ادله‌ای استفاده کنند که این چهار قید (عقیده وجوب تقلید از غیر معصوم) را ثابت کند؛ پس باید:

۱. دلیلی قطعی باشد که برای اثبات اعتقادات صلاحیت دارد، نه اینکه ظنی یا متشابه باشد؛
۲. دلیل آن‌ها، وجوب تقلید را ثابت کند نه اینکه دلالت بر جواز آن باشد؛
۳. از این دلیل، مفهوم تقلید ثابت شود؛ با همان تعریفی که در کتب اصولی ارائه می‌کنند؛ (سپردن قلاده به دست فرد دیگر).

۴. دلیل آن‌ها -چه آیه قرآنی یا حدیث یا دلیل عقلی یا عقلایی- باید بر غیر معصوم



سید احمد الحسن علیه السلام:

شناختن حق و پیمودن راه با آن، بر آن و به سوی آن، همان زندگانی حقیقی است؛ چراکه فرجامش رسیدن به عالم عقل و بازگشت به سوی آن زنده‌ای است که هرگز نمی‌میرد؛ و این، غایتی است برتر از بهشت. (گوساله، ج ۱)



را به «علی‌العوام» تغییر می‌دهند؛ برای نمونه عبارت مرکز عقایدی سید سیستانی را در لینک زیر ببینید:



برای مشاهده، کلیک کنید.

ی. این حدیث مطلق است؛ لذا شامل جواز تقلید در اعتقادات نیز می‌شود؛ پس به چه دلیلی تقلید در اعتقادات را حرام می‌دانند؟!

نتیجه

روشن است اعتقاد به وجوب تقلید از غیر معصوم، بدعتی است که هیچ دلیلی آن را حمایت نمی‌کند. هر منصفی با تأمل در این حدیث، به تمام پاسخ‌های خود می‌رسد؛ پس آیا بهتر نیست که بدون تحقیق و تأمل، عقیده‌ای را نپذیریم؟!

برای اطلاع بیشتر و تفصیلی به کتب انصار امام مهدی علیه السلام مراجعه کنید.

روایت استناد کنند؛ ب. برداشت فقها از این حدیث، متعدد بلکه متعارض است؛ در نتیجه متن آن متشابه و دلالت آن ظنی است؛



ج. متن این حدیث در خصوص مذمت تقلید بوده و با شروط متعددی، جواز تقلید مجاز اعلام شده است؛

د. برداشت بعضی فقها از جواز تقلید در این حدیث، جواز نقل احادیث یا استظهار از آیات و روایات است، نه اینکه مجتهد با ظن و گمان، فتوا دهد؛

ه. متأسفانه بعضی از مراجع در عصر حاضر و اتباع آنها اقدام به تغییر الفاظ روایات می‌کنند و عبارت «للعوام»

شما را دعوت می‌کنیم به تأمل در این حدیث، و نکات مهم آن را ذکر می‌کنیم...

«فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالَفًا لِهَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يَقْلُدُوهُ»

«پس کسی از فقها که از نفس خویش صیانت کند و نگهدارنده دینش و مخالف خواسته‌های نفسانی خود و مطیع امر امام خودش باشد، در این صورت برای عوام شیعه هست که از او تقلید کنند.»

(التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام، ص ۳۰۰، الاحتجاج على أهل اللجاج (للطبرسي)، ج ۲، ص ۴۵۸)

الف. این حدیث در کتابی ذکر شده که منسوب به امام حسن عسکری است و تعدادی از فقها در انتساب آن به امام تردید کرده‌اند؛ همچنین بعضی دیگر قائل به ضعف سند این حدیث و ارسال (یعنی تعدادی از راویان مشخص نیستند) آن شده‌اند؛ لذا پیروان مراجع به دلیل این مشکلات، نمی‌توانند به این

سید احمد الحسن (علیه السلام):

هر انسانی نصیب و بهره‌ای از عالم ملکوت دارد؛ نصیب و بهره‌اش نفس اوست که صورتی مثالی و سایه‌ای برای عقل است. این سایه، همان قوه ادراک یا همان ناطقه‌ای است که در بهشت‌ها کاشته شده است. (گوساله، ج ۱)



احکام

حکم شرعی نماز و روزه در کلان شهرها یا شهرهای به هم پیوسته

نماز از نظر شکسته یا کامل خواندن در شهرهای بزرگ - مثل سیدنی - چه حکمی دارد؟ با توجه به اینکه خانه‌های این شهر به هم پیوسته است. محاسبه مبدأ مسافت در این گونه شهرها چگونه خواهد بود؟



شهرهای بزرگ - هر قدر هم که وسیع باشند - یک شهر محسوب می‌شوند و شخص هر مسافتی هم که در آن طی کند مسافر محسوب نمی‌شود؛ پس نمازش را کامل بخواند و روزه بگیرد. همچنین اگر ساختار دو شهر به یکدیگر متصل باشد، در این دو شهر نمازش را کامل بخواند و روزه بگیرد؛ حتی اگر مسافت شرعی را از یکی به دیگری طی کرده باشد و اگر ساختار دو شهر، پیوسته نباشد؛ ولی فاصله بین آن دو شهر خیلی نزدیک باشد، به گونه‌ای که نقطه‌ای که وسط آن دو واقع می‌شود برای هیچ‌یک از آن دو حد ترخص محسوب نشود؛ در این صورت در این دو شهر نمازش را تمام بخواند و روزه بگیرد؛ حتی اگر مسافت شرعی را حین جابه‌جایی بین آن دو شهر طی کرده باشد.



سید احمد الحسن علیه السلام، پاسخ‌های فقهی متفرقه، ج ۳، ص ۲۷

سید احمد الحسن علیه السلام :

اگر ائمه علیهم السلام با تمامی عقل و علمشان به محکم و متشابه قرآن، و تنزیل و تأویل آن، اجازه فتوادران ندارند و تنها نقل‌کننده‌ای از خداوند و پیامبرش صلی الله علیه و آله هستند، چگونه غیر از ایشان با وجود نقصان عقلشان و جهل و نادانی‌شان به محکم و متشابه و تنزیل و تأویل قرآن، شایسته چنین چیزی است؟! (گوساله، ج ۱)



احکام شرعی برای کسی که نسبت به عبادات تنبلی می‌کند!

حکم کسی که در انجام دادن اعمال عبادی - به‌ویژه نمازهای واجب - سُستی و تنبلی می‌کند چیست؟ یمانی موعود علیه‌السلام برای انصار در خصوص اعمال عبادی - به‌ویژه واجبات - چه نصیحتی دارند؟ و آیا برای این عادت‌ی که گریبان‌گیر بسیاری از مردم است راه‌حلی وجود دارد؟



حکم او این است که استغفار کند، بسیار استغفار کند؛ و راه‌حل، یاد خداست؛ به‌عنوان مثال تسبیحی به دست گیرد و هر وقت زمان به او اجازه داد استغفار کند و بگوید: «استغفرالله» یا خدا را ستایش کند و بگوید: «الحمد لله» یا هر ذکر که خواست بگوید؛ و با بسیار شدن ذکر ان شاء الله قلبش برای به‌جا آوردن نماز متمایل می‌شود؛ به‌علاوه نماز جماعت و گردآمدن با مؤمنان از فراخوان‌های توجه به عبادت و نماز هستند.



اگر نمازگزار بداند که خوابش سنگین است یا به‌آسانی بیدار نمی‌شود، آیا واجب است چیزی را قرار دهد که او را برای نماز آگاه کند؟



واجب نیست؛ ولی بهتر است.



سید احمد الحسن علیه‌السلام، پاسخ‌های فقهی متفرقه، س ۱۷ و ۱۹

سید احمد الحسن علیه‌السلام:

بعثت عیسی علیه‌السلام برای بنی اسرائیل به بعثت محمد بن الحسن العسکری المهدی علیه‌السلام برای این امت و آنچه مهدی علیه‌السلام از این امت خواهد دید، بسیار نزدیک است. (گوساله،

امام حسن عسکری علیه السلام و فرزند ایشان در کلام علمای اهل سنت

فریب‌خوردگان وهابی، بیدار شوند و برائت عموم اهل سنت از این‌ها، روشن‌تر شود: محمد بن طلحه شافعی:

.....

«بدان که بالاترین منقبت و بزرگ‌ترین مزیتی که خداوند به امام عسکری اختصاص داده، این است که مهدی از نسل او به دنیا آمده و پسر اوست که به وی منتسب می‌شود و پاره‌ای است که از وجود او گرفته شده است.»

.....

(مطالب السؤل، ج ۲، ص ۱۴۸)

وهابیت دوباره آغاز به فعالیت‌های قوی‌تر کرده و در مقابل اهل بیت علیهم السلام ایستادند؛ تا جایی که اقدام به انفجار مراقد آن‌ها کرده، منکر صاحب‌الزمان شده و نسبت به جایگاه امام حسن عسکری علیه السلام شبهاتی مطرح کردند.

امام حسن عسکری علیه السلام در نگاه علمای سنی

هرچند بر عموم اهل سنت در زمان حاضر واجب است که از دین سفیانی‌ها ابراز برائت کنند، اما بخشی از نظرات علمای سنی نسبت به جایگاه امام حسن عسکری علیه السلام را بیان می‌کنیم تا

اکثر اهل سنت به محبت اهل بیت علیهم السلام و بغض دشمنان و نواصب معتقدند؛ اما عده‌ای معلوم‌الحال، منکر فضایل ایشان بوده و علم مخالفت با ایشان را از ابتدای دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله بلند کردند. آن‌ها که در زمان پیامبر با او جنگیدند و بعد از او، وارث خلافت و حکومت بر مردم شده و خلافت الهی را تبدیل به پادشاهی کردند...

سفیانین

سفیان‌ها که حکومت بنی‌امیه به دست آن‌ها بود در زمان پیامبر به نمایندگی ابوسفیان، با ایشان جنگیدند. در زمان امیرالمؤمنین، معاویه فرزند ابوسفیان در مقابل علی علیه السلام ایستاد و در نهایت فرزند او یزید ملعون، به جنگ سیدالشهدا و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله رفت.

اما این اتفاق به پایان نرسید؛ بلکه آخرالزمان آغازی دوباره برای ظهور دعوت سفیانی‌ها بوده و هست.

روش سلفی‌گری معروف به



سیداحمدالحسن علیه السلام:

آنچه مهدی علیه السلام از برخی علمای بدنهاد (علمای بی‌عمل) در این امت خواهد دید تفاوت چندانی نخواهد داشت با آنچه عیسی علیه السلام از یهود و علمای بی‌عمل آن‌ها دید.

(گوساله، ج ۱)



ابن صباغ مالکی:

«او سرور اهل زمان و امام مردمان روزگار خود بود. گفته‌هایش همه ثابت و استوار و کردارش پسندیده بود. اگر فضلا و بزرگان هم عصرش را همچون قصیده‌ای فرض کنیم، وی شاه‌بیت آن قصیده است و اگر آنان را همچون دُری از جواهرات به شمار آوریم، وی همچون یاقوت شاهوار وسط آن گردن‌بند در شمار خواهد بود. یکه‌تاز میدان دانش که هیچ‌کس را یارای هم‌آوردی با او نبوده و آشکارکننده پیچیدگی‌های مسائل علمی که این کار خسته و ملولش نمی‌کرد.» (الفصول المهمة، ص ۲۷۵)

علامه سبط ابن جوزی می‌نویسد: «او دانشمندی راست‌گو بوده که از پدرش و جدش حدیث روایت کرده است.» (تذكرة الخواص، ص ۳۶۲)

علامه شبرای شافعی نیز می‌نویسد:

«یازدهم از پیشوایان، حسن خالص است که به لقب عسکری نیز مشهور شده است و در شرافت او همین بس که

امام مهدی منتظر از فرزندان

اوست. مرحبا به چنین خاندان با شرافت و نسب متعالی، و همین افتخار در بلندای مقدار و مرتبه او کافی است.» (الاتحاف بحب الاشراف، ص ۱۷۸)

ولادت حضرت صاحب‌الزمان در بیان علمای سنی

تعدادی از علمای اهل سنت نیز ولادت فرزند امام حسن عسکری (علیه السلام) را ثابت می‌کنند و به شبهات سفیانی‌ها پاسخ می‌دهند:

ذهبی:

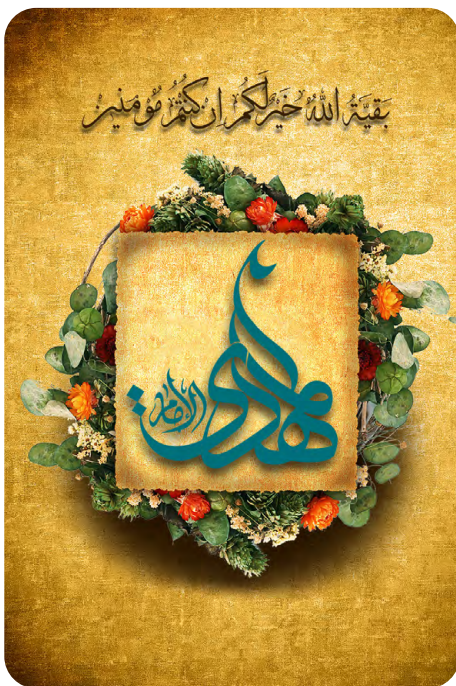
«در سال ۲۵۶ ق محمد بن الحسن العسکری که رافضی‌ها او را با القابی همچون خلف‌الحجة، مهدی، منتظر و صاحب‌الزمان یاد می‌کنند، به دنیا آمد، او آخرین امام از ائمه دوازده‌گانه است.»

(العبر فی خبر من غیر، ج ۱، ص ۳۸۱، المؤلف: شمس‌الدین أبو‌عبدالله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی (المتوفی: ۷۴۸ ق)، المحقق: أبو‌هاجر محمد السعید بن بسیونی زغلول، الناشر: دار الکتب العلمیة، بیروت، عدد

الأجزاء: ۴)

ابن حجر عسقلانی:

«امام عسکری فرزندی غیر از ابوالقاسم محمد الحجة نداشت که در هنگام وفات پدرش پنج‌ساله بود؛ اما خداوند به او در آن سن کم حکمت عطا کرد و قائم، منتظر و... نامیده شده است.»



(الصواعق المحرقة، ج ۲، ص ۶۰۱، المؤلف: أحمد بن محمد بن علي بن حجر الهيثمي السعدي الأنصاري، شهاب الدين شيخ الإسلام، أبو‌العباس (المتوفی: ۹۷۴ ق)، المحقق: عبدالرحمن بن عبدالله التركي، كامل محمد الخراط، الناشر: مؤسسة الرسالة،

سید احمد الحسن (علیه السلام):

فته و آزمایش گوساله در دوران چهل ساله سرگردانی بنی اسرائیل در صحرای سینا رخ داد و عقوبتی برای تمرد و سرپیچی آن‌ها از فرامین الهی و اصلاحی برای فساد بود که در نفس‌هایشان ریشه دوانیده بود. (گوساله، ج ۱)

أحمد القرمانی الحنفی (متوفای ۱۰۱۹هـ):

«شرح حال ابوالقاسم محمد الحجة الخلف الصالح: عمر او در هنگام وفات پدرش پنج سال بوده است. خداوند در کودکی به او حکمت آموخت؛ همان طور که به حضرت یحیی در کودکی اعطا کرد. آن حضرت قامت چهارشانه، صورت و موی زیبا، بینی کشیده، پیشانی نورانی دارد. علما اتفاق دارند که مهدی همان کسی است که در آخرالزمان قیام می کند.» (أخبار الدول و آثار الأول، ج ۱، ص ۳۵۳ و ۳۵۴)

کسانی را که با شبهات سفیانوی فریب خورده اند به توبه از این مسیر شیطانی دعوت می کنیم. امام احمدالحسن علیه السلام فرمودند:

«هر وهابی سلفی یا یک تروریست است یا پروژه ای تروریستی برای آینده است.»

والحمد لله وحده

لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷ق / عدد الأجزاء: ۷
۱۹۹۷م، عدد الأجزاء: ۲

محمد أمين السويدي (۱۲۴۶هـ): محمد المهدي كه عمر او در هنگام وفات پدرش پنج سال بود، اندام چهارشانه داشت، صورت و موهای زیبا، بینی کشیده و پیشانی نورانی داشت.» (سبائك الذهب فی معرفة قبائل العرب، ص ۳۴۶)

محمد بن يوسف الكنجي (متوفای ۶۵۸هـ): «او بعد از امام هادی به امامت رسید. در ربیع الثانی سال ۲۳۲ق به دنیا آمد... پس از خود فرزندی را به جای گذاشت که او امام منتظر است.» (کفاية الطالب، ص ۴۵۸)

ابن حجر عسقلانی: «جعفر بن علی بن محمد... برادر حسن است که به او عسکری گفته می شود. حسن عسکری علیه السلام امام یازدهم از ائمه دوازده گانه مذهب امامیه است که پدر محمد، صاحب سرداب بوده است...»

(لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۱۹، المؤلف: أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: ۸۵۲ق)، المحقق: دائرة المعارف النظامية، الهند، الناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات بيروت، لبنان، الطبعة: الثانية، ۱۳۹۰ق/۱۹۷۱م،



سید احمد الحسن علیه السلام:

چه بسا هنگام ظهور امام مهدی علیه السلام افراد زیادی بگویند این مهدی علیه السلام نیست تا برای نفس های خود عذری بتراشند و یاری رساندن به امام مهدی علیه السلام را ترک گویند؛ همان طور که اهل مکه و یهودیان با رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین کردند. (گوساله، ج ۱)

صهیونیست‌ها و پادشاه



زندگی با ذلت را بهتر از مرگ با افتخار می‌دانند و قدرت حکام طاغوتی را بالاتر از قدرت خدا تصور می‌کنند و هیچ رابطه‌ای با دین خدا ندارند؛ و ای کاش اندکی از داستان داوود علیه السلام و جالوت (لعنة الله علیه) درس می‌گرفتند؛ اما هیئات که آنان برای رسیدن به مقام دینی و دنیوی در تلاش هستند، نه دفاع از دین خدا!



یکی از اخباری که این روزها بیش از هر چیزی توجه ما را به خود جلب می‌کند توافقات و پیمان‌های صلحی است که بین پادشاهان مزدور آمریکا در منطقه و صهیونیست‌های آدم‌کش بسته می‌شود.

در این نوشتار کوتاه به چند نکته اساسی در خصوص این پیمان خواهیم پرداخت. نکاتی که از مهدی اول، امام احمدالحسن علیه السلام آموخته‌ایم.

عامل بقای صهیونیست‌ها در منطقه

نخست با این سؤال آغاز می‌کنیم که عامل باقی ماندن صهیونیست‌های اشغالگر در منطقه چه چیزی است؟ و چرا مسلمانان با این همه تعداد علیه آنان اقدامی نمی‌کنند؟

احمدالحسن علیه السلام پاسخ این سؤال را بیان فرموده‌اند:

“

«بقای علمای بدنهاد، یعنی باقی ماندن حکام ظالم مستبد و مسلط بر مسلمانان، و بقای حکام ظالم، یعنی ماندن صهیونیست‌هایی که سرزمین مسلمین را به اشغال خود درمی‌آورند.»

”

(گوساله، ج ۲)

متأسفانه علمای بی‌عمل، جامعه‌ای ترسو و تنبل را پرورش داده‌اند و حاضرند زندگی در زیر قدرت پادشاهان مزدور آمریکا را بپذیرند، اما اقدامی علیه آنان نکنند؛ بدین گونه نشان می‌دهند که آنان

سید احمدالحسن علیه السلام:

بسیاری، امام مهدی علیه السلام را تنها خواهند گذارد و خداوند وی را یاری و پیروز خواهد کرد.

(گوساله، جلد ۲)



داوود علیهِ السلام نمونه‌ای برای ما

قطعاً داوود علیهِ السلام باید الگویی برای همه مسلمانان باشد؛ چراکه او پیامبر خدا و یکی از انبیایی است که همه مسلمانان به او ایمان دارند؛ اما کدام یک از علمای بی عمل از ایشان الگو برداری کرده‌اند؟



احمد الحسن علیهِ السلام فرمود:

«داوود کوچک‌ترین فرزند پدرش بود و پدرش او را بر گوسفندان گمارده بود تا آن‌ها را بچراند. او حتی در شمار سپاهیان نیز نبود. او با فلاخن (قلاّب سنگ) سنگ پرتاب می‌کرد. طبق حساب و کتاب هیچ‌کسی ممکن نبود پایان کارزار با آن دو باشد! تعدادی که به حساب نمی‌آمد (داوود)، و ابزاری که در حساب مردم جایگاهی نداشت (سنگ‌ها)، در نظر خدا تمامی «عِدّه و عُدّه» (تعداد نفرات و ابزار و وسایل)

بود. سنگی که معماران آن را رد کردند تبدیل به سنگ زاویه شد. محاسبات مردم به آن صورت است و حساب خداوند سبحان و متعال این چنین. مردم، ماده و اجسام را می‌بینند، ولی خدا به ارواح و اخلاص می‌نگرد.

او سبحان به اخلاص این جوانمرد بزرگوار داوود علیهِ السلام نگریست و پیروزی را به دست او رقم زد. این چه درس بزرگ و رسایی است برای کسانی که همراه طالبوت علیهِ السلام بودند؛ همان‌هایی که برای اسباب و علل مادی جایگاه بزرگی متصور بودند.» (صفحه رسمی در فیس‌بوک، ۲۰۱۳/۱/۱۶، ساعت ۲۱:۵۳) حتی ما مثال دیگری نیز داریم؛ یعنی جنگ بدر که لشکریان اسلام با آنکه در تعداد اندک بودند، به لطف خدا علیه دشمنان پیروز شدند؛ بنابراین فرهنگ قرآنی و اسلامی اصیل، جایگاه پوشالی علمای بی عمل و دوری آنان از راه صحیح را مشخص می‌کند و پادشاهان مزدور آمریکا در منطقه نیز می‌دانند که قرآن و اسلام بزرگ‌ترین مانع بر سر بقای آنان در قدرت است؛ احمد الحسن علیهِ السلام فرمود:

«طاغوت‌هایی که امروزه با کمک آمریکا بر این امت مسلط شده‌اند هرچند دشمنی خود را با امت آشکار می‌کنند تا فصل‌های این داستان منفور را به پایان برسانند می‌خواهند اسلام را به حاشیه برانند و قلب مسلمانان را از ایمان به خدا خالی و در پوسته‌های دینی فاقد حقیقت قرار دهند و اگر می‌توانستند این پوسته‌ها را نیز دور بیندازند و با امت دشمنی کنند پرهیز نمی‌کردند؛ همچنان که امروزه در ترکیه انجام داده‌اند. هرکس در نوکری آن‌ها برای آمریکا و صهیونیسم شک دارد به خصوص کسانی که ادعای دشمنی با آن‌ها را دارند باید به تاریخ سیاهشان مراجعه کند و در [این صورت] خواهد دید آن‌ها هر

سید احمد الحسن علیهِ السلام:

باید بر حذر باشیم که امروز و فردا همانند عمر بن سعد (لعنه الله) نباشیم، که حق را تنها گذاریم و با بهانه‌هایی زشت و دلایلی واهی عذرآوری کنیم. (گوساله، جلد ۲)

اول از ریشه کنده شد و اینک این شاخ چشمانی مانند چشم انسان و دهانی داشت که به سخنان تکبرآمیز متکلم بود. [...] ۱۱ آنگاه نظر کردم به سبب سخنان تکبرآمیزی که آن شاخ می‌گفت. پس نگرستم تا آن وحش کشته شد و جسد او هلاک گردیده، به آتش مشتعل تسلیم شد. **۲۴ و ده شاخ از این مملکت، ده پادشاه هستند [...]**. (دانیال، فصل ۷)

بنابراین صلح این پادشاهان وابسته و صهیونیست‌های جنایت‌کار با هم، نباید ما را شگفت‌زده کند! و اما پایان آنان چیزی جز نابودی نیست!



در پایان، سخن امام احمدالحسن علیه السلام را تقدیم شما خواهیم کرد:

«داوود علیه السلام داوود ماست، سلیمان علیه السلام سلیمان ماست، و هیکل، هیکل ما مسلمانان است، نه هیکل یهودی‌های صهیونیست که قاتلان پیامبران‌اند.

سرزمین مقدس، سرزمین ماست که باید آزاد و فتح شود و پرچم «لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله» بر آن به اهتزاز درآید.» (متشابهات، ج ۱، بخشی از پاسخ به سؤال شماره ۲۳)

ان شاء الله روز نابودی صهیونیست‌های جنایت‌کار و مزدوران خبیث آمریکا به دستان مهدی این امت بسیار نزدیک است.

لحظه که در سلطه باقی می‌مانند با جنگ‌افروزی بر مسلمین و اعراب و سرکوب هر جنبش اسلامی و بیداری دینی، به آقایان آمریکایی و صهیونیستی خویش خدمت می‌کنند.» (سرگردانی یا راه به سوی خدا، مبحث سرگردانی در امت اسلام).

کتاب مقدس و پادشاه مزدور

یکی از نکات جالبی که در کتاب مقدس وجود دارد، پیشگویی‌های رمزگونه‌ای است که درباره شخصیت‌ها و ممالک و... بیان شده است و احمدالحسن علیه السلام روشنگری‌های زیادی را از آن بیان فرموده است؛ ایشان در بخشی از سخنان خود فرمود:

«کسی که خواهان دلیل بیشتر است باید به تورات، سفر دانیال مراجعه کند و خواهد دید که در منطقه خاورمیانه، ده پادشاه، نوکر آمریکا هستند یا به تعبیر رمزی، مملکت آهنین که دیگر ممالک روی زمین را می‌خورد و پایمال می‌کند؛ اما ان شاء الله مهدی این امت آن را لگدکوب خواهد فرمود؛ همان گونه که در همان سفر دانیال آمده است.» (همان)

اما آنچه در سفر دانیال درباره وحش چهارم یا مملکت آهنین (آمریکا) و ده شاخ چسبیده به او (ده پادشاه مزدور او در منطقه) وجود دارد را تقدیم می‌کنیم:

(۷ بعد از آن در رؤیاهای شب نظر کردم و اینک وحش چهارم که هولناک و مهیب و بسیار زورآور بود و دندان‌های بزرگ آهنین داشت و باقی‌مانده را می‌خورد و پاره‌پاره می‌کرد و به پاهای خویش پایمال می‌نمود و مخالف همه وحوشی بود که قبل از او بودند و ده شاخ داشت. ۸ پس در این شاخ‌ها تأمل می‌نمودم که اینک از میان آن‌ها شاخ کوچک دیگری برآمد و پیش رویش سه شاخ از آن شاخ‌های

سید احمدالحسن علیه السلام:

باید خود را به اخلاق قرآن بیاراییم و پس از عمل به آن، آن را در جامعه نشر دهیم؛ زیرا کسی که مردم را به مکارم اخلاق دعوت می‌کند در حالی که [اخلاق] خودش بر آن‌ها منطبق نباشد، هیچ تأثیری بر دیگران نخواهد داشت، و حتی چه بسا نتیجه عکس حاصل کند. (گوساله، جلد ۲)

شهادت امام حسن عسکری علیه السلام

باز مردی ز اولاد علی را کشتند

باز باز هر هلاهل پدری را کشتند

پدر مهدی موعود، همان صاحب عصر

به گمانم که دگر بار علی را کشتند

داغ فرزند علی، کرده جهان را غم بار

مردمان را چه شده، باز شی را کشتند

باز هم شد سربا باروی زانوی پسر

از سر کین و جفا بود منی را کشتند

حسن امشب به خدا بار سفر می بندد

این گمانی ست ز آنان که وصی را کشتند

نوه پیش همگی حجت بر حق هستند

مهدین آمده و کوردلی را کشتند

عالم از رفتن او رخت عزای می پوشد

سامرا گشت سیه چو عسکری را کشتند

مهم ترین خبر جهان!

سید احمد الحسن علیه السلام ظهور کرد
ای یهودیان! فرستاده ایلایا آمده است.
ای مسیحیان تسلی دهنده و فرستاده مسیح آمده است.
ای عزیزان اهل سنت! آن مهدی که در آخر الزمان متولد
می شود، اکنون در میان ماست.
ای شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام فرستاده امام
مهدی و دعوت کننده به سوی او، یمانی موعود،
سالهاست که منتظر شماست.
ای تمام آزاداندیشان و اهل علم در زمین! خلیفه خدا با
سندی از علم و شگفتی ها آمده است.